

رهبری فردی یا سازمانی، کدام علمی است. مشکل اخیر کمیته ی هماهنگی از کجا سرچشمه می گیرد؟

مقدمه

ما همیشه از طرف دوستانی که به جای پاسخگویی به نقدها و یا نوشته ها، از دشنام دادن و توهین کردن استفاده می کنند زیان برده ایم. البته این نوع برخورد حتی با دشمنان نیز ریشه در ضعف نسبت به توان در پاسخگویی دارد که بهتر است به جای دشنام و توهین یا خود را ارتقاع بدهیم یا حرف نقاد را بپذیریم و یا صادقانه و عاقلانه از بحث کنار بکشیم.

مقدمه فوق برای این بود که رفیق محمد حسین در مطلبی با نام "نکاتی در باره ی سخنان محمود صالحی و ساختار تشکل های کارگری" بدون پرداختن به نقدهای کمیته ی هماهنگی به صورت گذرا توهین آمیز برخورد کرده اند که من در این نوشته از آن ها بصورت کوتاه بحث خواهم کرد. کوتاه به این دلیل که به احتمال قوی این بحث ها مدت طولانی ادامه خواهد داشت بنا براین باز فرصت هایی پیش خواهد آمد.

باید بدانیم این مشکل اخیر در کمیته ی هماهنگی فقط مال این کمیته یا یک اشتباه تصادفی نیست و هم چنین طی چند ماه اخیر اتفاق نیافتاده است. در

حدود دو سال است که خود را نمایان کرده و بحث جلوگیری از ورود پیمانکاران در واقع بهانه ی، بحث است. با تمام آن چه که رفیق محمد حسین بر می شمارند که بسیارشان درست هستند اما ربطی به تشکل های فعالین کارگری ندارد. مشکل فوق از مجموع سه مورد زیر سرچشمه می گیرد.

۱- در اصل این بیماری حاصل علنی گرایي - و تز چهره شدن و چهره سازی یعنی رهبری فردی و کیش شخصیتی به جای رهبری سازمانی است. که سال هاست با بهانه های مختلف تشکل های فعالین کارگری را تکه تکه می کند چون هر کدام از این رهبران که بیش از ظرفیت محیط خود بزرگ می شوند برای ادامه ی رشد امکان نمی یابند ضمن این که خود دچار بی عملی می شوند و برای این که موقعیت خود را از دست ندهند مانع رشد نفرات بعدی شده اختلاف شروع می گردد که در چنین فضایی صدها بهانه می توان پیدا کرد.

۲- متأسفانه بدلیل ناتوانی و پاسیف بودن سازمان های سیاسی و پراکندگی آن ها، در همین حال مانع شدن در مقابل یکدیگر در کسوت سکت های مختلف امکان ایجاد بستری که از میان توده های کارگر طی روند مبارزات افراد مستعد رهبری سازمانی در تعداد کثیری آموزش دیده رشد نمایند و به عنوان رهبران و فعالین کارگری وارد عرصه مبارزه شوند وجود ندارد. بنا براین رهبران فوق به تعداد بسیار کم، بدون آموزش های علمی در همین حال با رویکرد فردگرایانه که از اندیشه ی مسلط سرمایه داری سرچشمه گرفته است در تعداد کم تر از انگشتان دست یافت می شوند که بقیه ی فعالین و سازمان ها ... با رویکرد سکتاریستی و خودی و غیر خودی بی رویه و بدون در نظر گرفتن ظرفیت های مختلف آن ها شروع به بزرگ نمایی می کنند که نتیجه اش رشد خودمحوربینی در افراد فوق می گردد.

۳- کارهای غیرمسئولانه ی افرادی در قالب دو گروه رقیب که به اختلافات بسیار ریز دامن می زنند در واقع هیچ کدام از اعضای کمیته ی هماهنگی از این که اختلاف فوق با خواست چه کسانی دامن زده شده است را نمی دانند. دو گروه باهم زورآزمایی می کنند از یک طرف می خواهند برای کامل شدن به هم نزدیک شوند ولی از طرف دیگر در گرفتن امتیاز از یکدیگر به شدت کشمکش دارند. این پلان امتیازگیری یک وقت بین بهزاد سهرابی با بهروز خباز شعله‌ور شد که چیزی نمانده بود هر دو بیگناه فدا شوند. ولی و با درایت بهروز و بهزاد کنترل شد. اما این بار مشکل بسیار بزرگ تر است اگر فعالین کارگری و سیاسی دخالت اصولی نکنند بسیار خطرناک خواهد شد.

موردی که اثبات می کند کارفرما بودن برخی از اعضا بهانه ی بیش برای اختلافات نیست، در حقیقت بیش از ۷۰ درصد اعضای تشکل های چون کمیته ی هماهنگی، کمیته ی پیگیری، اتحاد آزاد کارگران ایران، کاتون مدافعان حقوق کارگری و سندیکای فلزکار مکانیک به نوعی کارفرما هستند. تعدادی از اعضای سندیکای فلزکار مکانیک دارای دکان و ابزارهای تراشکاری هستند این دوستان هر کدام روی هم رفته ۴ نفر کارگر هم دارند. یا این که تعدادی از اعضای کمیته ها کارهای ساختمانی انجام می دهند مانند لوله‌کشی گاز که هر کدام حد اقل ۳ نفر کارگر برایشان کار می کنند و خود آن ها با صاحبخانه ها قرارداد پیمانکاری می بندند حتی برخی خودشان پیمانکاری هم نمی کنند بلکه کار را معرفی کرده در صدی دریافت می کنند. برخی نیز با اجاره دادن محل کار یا چند آپارتمان و دریافت اجاره ی آن ها زندگی می کنند. برخی نیز دکانی دارند. برخی هم کارگر ماهر هستند ضمن این که خودشان کار می کنند دو نفر یا بیش تر شاگرد نیز دارند.

این ها را گفتم تا خوانده بدانند در تشکل های فوق همیشه این چنین بوده است و حداقل ۷۰ درصد اعضا به نوعی ابزار تولید ولو که بسیار کم دارند. بنا بر این اختلاف موجود در کمیته ی هماهنگی و حتی در بقیه بر این مبنا نبوده و نیست من تا زمانی که رفیق محمد حسین این مطلب را نوشته بود هنوز به اخبار دریافتی خود اطمینان صد در صد نداشتم که اعضای کمیته ی هماهنگی بدون این که از موضوع خبر داشته باشند دارند قربانی عدم همکاری بین دو گروه می شوند. این یک پلان امتیازگیری است. و در این جا نیز محمود متأسفانه ندانسته به دام افتاده است.

البته رفیق محمد حسین در چنین پلان هایی ید بیضایی دارد که در شورای همکاری موارد زیادی از جانب ایشان دیده شده است. مثلاً کسانی از اعضای شورای همکاری را مراقب اعضای دیگر قرار می دادند که مبادا کنترل از دستشان خارج شود یا معلوم شود که چه تعداد از مصوبات شورای همکاری را خودسرانه تغییر داده اند. یا مثلاً جلساتی با برخی از اعضای شورای همکاری بدون اطلاع بقیه تشکیل می دادند و... حال باید منتظر شد و دید در کمیته ی هماهنگی چه خبر است.

هم چنین ایشان شامه ی بسیار تیزی در تشخیص سوالات مغرضانه دارند و از هر سوالی که خوششان نیاید فتوای مغرضانه بودن را صادر می کنند مثلاً در مطلب اخیرش به جای جواب گفتن به نقدها همه ی آن ها را وقاحت و دشمنی می داند. و سوالی که من از محمود پرسیدم که همه شنیدند (که اشرفی پرسیده است) چون پس از پرسیدن از من خواستند که بنویسم. ایشان می فرمایند "شاید مغرضانه" ایشان می نویسند (و برخی نیز سوال کردند- که شاید مغرضانه- که آیا در کمیته ی هماهنگی بخش کارفرمایان ایجاد شده؟) ما

همه می دانیم در بحث های این چینی به کار بردن کلمات شاید، ممکن است ... در واقع راه فرار پس از توهین و اهانت است. ایشان بدون دستاویز قرار دادن کلمه "شاید" در پاسخگویی باید ثابت کند با تکیه به کدام دلایل تشخیص دادند که سوال من مغرضانه است. آیا من دشمن کمیته ی هماهنگی هستم؟ بنا به کدام مدرک؟ آیا من کارفرما هستم؟ آیا من کارگری هستم که در صف خدمت به سرمایه داری قرار دارم؟ ... چرا باید غرض داشته باشم؟ یا ایشان می خواهد با چنین توهین و برخوردهای غیراصولی دیگران را بترساند تا کسی سوال نکند؟ من در این مطلب گفتم شما در چنین پلان هایی ید بیضایی دارید و سه مورد مثال آوردم. اگر شما نیز مرا مغرض می دانید لطفاً حداقل یک مثال بیاورید یا این که حرف خود را پس بگیرید.

یکی از افکار انحرافی که متأسفانه توسط رفیق محمد حسین نیز بیان می شود این است که به زور می خواهند تشکل های فعالین کارگری که از نظر من تشکل های شترمرغی یا دو منظوره هستند را به عنوان ("تشکل "مستقل" کارگری") جا بزنند و بعدش هر بحثی که دوست دارند پیش ببرند این در واقع از ریشه غلط است و چون ریشه بحث غلط است بنا بر این هر بحثی نیز بر روی چنین ریشه و اساسی برقرار شود، غلط خواهد بود. در نتیجه غیر از موارد کلی و غیر موضوعی که در مطلب خود بیان کرده اند بقیه از بنیان و اساس ربطی به بحث ندارد (یعنی ربطی به تشکل فعالین کارگری ندارد، بلکه ایشان می خواهند با معیارهای یک تشکل خاص، تشکل خاص دیگری را تجزیه و تحلیل کند این همان مثلی را به یاد می آورد که (گنجشک را رنگ کرده جای قناری می فروشد).

محمد حسین رفیق عزیز اگر از این مورد خوشت نیامد یا نخواستی جواب
بدهی لطفاً غیرمستقیم وقاحت، دشمنی و مغرضانه معرفی نکن.

محمد اشرفی

۱۰/۷/۱۳۹۱

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری